

اشاره

برای تحلیل جامع حوادث پس از انتخابات خرداد ۸۸ باید زمینه‌های شکل‌گیری آن حوادث و چگونگی و چرایی آرایش سیاسی گروه‌های مختلف در این رخداد تاریخی را مورد مطالعه قرار داد. رفتارشناسی جریان‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی در آستانه و بعد از انتخابات ریاست جمهوری عامل مهمی در شناخت بحران انتخاباتی این دوره است. در این پژوهش رفتار انتخاباتی سه جریان دوم خرداد، اصول‌گرایی و جریان سوم مورد مطالعه قرار گرفته است.

خرداد ۸۸، خرداد صف آرای‌ها

م. تهرانی

رفتارشناسی جریان‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی در آستانه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

شکل‌گیری جریان دوم خرداد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶، رقابت دو قطبی جناح‌های موسوم به راست و چپ را در کشور وارد مرحله جدیدی ساخت. تا پیش از این، سه مدت یک دهه (۷۶ - ۶۶) رقابت جناحی در کشور به صورت دو قطبی بود ولی از سال ۷۶ به دلیل شرایط و پیامدهای ناشی از دوره سازندگی و پس از آن ظهور افراطی‌گری و گرایش‌های سکولاریستی در بدنه اجرایی کشور، زمینه شکل‌گیری و تجدید حیات اصول‌گرایی در قالب یک جریان سیاسی فراهم شد. اما در انتخابات نهم ریاست جمهوری دولتی روی کار آمد که با معیارها و مؤلفه‌های حزبی چندان سازگاری نداشت و همین روند در انتخابات دهم نیز استمرار یافت. در ادامه برای آشنایی بیش‌تر با این موضوع به برخی مشخصه‌های صف‌بندی گروه‌ها و جریان‌ها و رفتار انتخاباتی دو جریان رقیب در انتخابات دهم اشاره می‌کنیم.

الف) جریان دوم خرداد

جریان دوم خرداد محصول مشترکی از تکنوکراسی و اشرافی‌گری دوره سازندگی و برخی دیدگاه‌های جریان راست بود که بر محور سیدمحمد خاتمی در انتخابات هفتم (۱۳۷۶) گردهم آمده بودند. این جریان، احزاب و گروه‌های متعدد با ماهیت‌های متفاوت و در مواردی متضاد را درون خود جای داده بود و گروه‌هایی با گرایش‌های لیبرال و سکولار و التقاطی با کارکردهای افراطی و رفتارهای معاندانه علیه نظام را

دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری ایران که در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ برگزار شد، از جهاتی با انتخابات دیگر در طول سه دهه انقلاب اسلامی متفاوت بود. این انتخابات پس از نخستین همه‌پرسی جمهوری اسلامی، رکورد ۸۵ درصدی مشارکت مردمی را به نمایش گذاشت و از جمله ویژگی‌های بارز آن، فرصت‌هایی بود که جریان‌های سیاسی برای بیان دیدگاه‌ها، تبلیغات و رقابت در اختیار داشتند. در این انتخابات، همچنین توسل به شیوه‌های غیرقانونی در روند تبلیغات انتخاباتی، تخریب و قانون‌گریزی، جنجال‌آفرینی و اغتشاش‌های خیابانی در روزهای بعد از رأی‌گیری شدت گرفت.

در فردای اعلام نتایج و آشکار شدن وضعیت کاندیدای پیروز، کشور آستان حوادثی تلخ شد که در تاریخ انقلاب کم‌سابقه‌یابی سابقه بود. کشاندن اعتراض‌ها به خیابان‌ها، به آشوب‌های سیاسی - امنیتی دامن زد. خواسته اصلی آشوب‌طلبان، ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن با نظارت ناظران خارجی بود. در این انتخابات گرچه هدف اساسی رهبر انقلاب یعنی حضور حداکثری در انتخابات - تحقق یافت؛ ولی حوادث پیش آمده شیرینی این پیروزی را به کام ملت تلخ کرد. برای تحلیل جامع‌تر این حوادث ناگزیریم به زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها و چگونگی و چرایی آرایش سیاسی گروه‌های مختلف در این رخداد تاریخی و وقایع قبل و بعد آن اشاراتی داشته باشیم.

دربری گرفت.

اوج قدرت جریان دوم خرداد در اولین دوره انتخابات شورای شهر و روستا (اسفند ۷۷) ظاهر شد که توانست پیروز مطلق این میدان شود و به دنبال آن زمینه پیروزی در دوره ششم مجلس شورای اسلامی در بهمن ۷۸ نیز برایشان فراهم شد ولی پس از آن، ستاره اقبال دولت موسوم به اصلاحات رو به افول نهاد. نتیجه انتخابات ۱۹ اسفند ۸۱ شوراهای شهر و روستا برای آن‌ها بسیار غافلگیرکننده بود و بعد از آن زنگ خطر دیگری در انتخابات مجلس هفتم در اسفند ۸۲ برایشان به صدا درآمد و در نهایت با اعلام نتیجه انتخابات دهم، همه چیز برای مدعیان اصلاحات تمام شده تلقی گردید. آن‌ها در انتخابات دهم تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا جنبشی فراگیر از همه آنچه رأی‌های خاموش می‌نامیدند، شکل دهند. در یک تحلیل کلی، چهار طیف را می‌توان در جریان اصلاحات و دوم خرداد این زمان مشاهده کرد:

۱. حزب مشارکت به همراه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و مجمع روحانیون مبارز، طیف اول صف‌بندی جریان دوم خرداد را تشکیل می‌دهند. دو گروه اول از این طیف در این زمان، ابتدا بر نامزدی سیدمحمد خاتمی تمرکز کردند اما با اعلام حضور میرحسین موسوی و انصراف خاتمی، هر یک با صدور بیانیه‌ای، میرحسین موسوی را بهترین گزینه برای تحقق برنامه‌های خود دانست و از او حمایت کرد. در مجمع روحانیون مبارز نیز برخی متمایل به کروی بودند ولی اکثریت اعضا، به همراه حزب مشارکت و سازمان



وی در صورت پیروزی معرفی شده بود، در سفرها و سخنرانی‌های انتخاباتی موضع متفاوتی در پیش گرفت و حتی در روز ۲۲ خرداد، آشکارا به موسوی رای داد! حزب کارگزاران تمام تلاش خود را به کار گرفته بود تا هر کسی غیر از احمدی‌نژاد پیروز انتخابات شود.

۴. طیف چهارم جریان دوم خرداد شامل گروه‌هایی است که به رغم همنوایی با جریان‌های پیشین، کوشیده‌اند خود را مستقل نشان دهند. در این طیف، گروه‌های متنوعی با گرایش‌های اعتدالی، لیبرالی و یا ملی مذهبی حضور داشتند و در نهایت آن‌ها نیز بر محوریت موسوی تأکید کردند.

جریان دوم خرداد؛ فرصت‌ها و امکانات
جریان دوم خرداد از فرصت‌هایی برخوردار بود که انگیزه و تلاش آن را برای کسب موفقیت دوچندان می‌ساخت. از جمله مهم‌ترین این فرصت‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. همراهی و حمایت برخی از رجال مشهور سیاسی. این جریان از مخالفت آقای هاشمی با دکتر احمدی‌نژاد نهایت استفاده را برد؛ به ویژه مسایل مطرح شده در مناظره تلویزیونی، زمینه مناسبی فراهم کرد و آنان توانستند با همراهی و میدان‌داری فرزندان

از سال ۷۶ به دلیل شرایط و پیامدهای ناشی از دوره‌سازندگی و پس از آن ظهور افراطی‌گری و گرایش‌های سکولاریستی در بدنه اجرایی کشور، زمینه شکل‌گیری و تجدید حیات اصول‌گرایی در قالب یک جریان سیاسی فراهم شد.

مستقل به عرصه رقابت را نپذیرفت و سعی کرد همچون گذشته در همان فضای دوم خردادی‌ها حرکت کند؛ با این حال حزب کارگزاران نتوانست موضع چندان شفافیتی در این باره بگیرد. برای نمونه، سخنگوی این حزب ابتدا متمایل به محسن رضایی بود و در عین حال از موسوی حمایت می‌کرد و یادبیر کل آن (کرباسچی) با حفظ سمت، به حزب اعتماد ملی ملحق شد! او در حالی که مشاور کربوبی و معاون اول

مجاهدین انقلاب اسلامی از موسوی حمایت کردند.

۲. حزب اعتماد ملی به عنوان دومین طیف جریان دوم خرداد در انتخابات دهم، محصول انشعاب از همان طیف اول است. حزب اعتماد ملی در آستانه انتخابات نهم ریاست جمهوری و با هدف حضور مستقل در انتخابات به ریاست مهدی کربوبی تشکیل شد. کربوبی که در نقش منتقد روند حوادث سال‌های حاکمیت دوم خرداد به عرصه رقابت وارد شد، از منتقدان جدی جریان اصول‌گرا نیز محسوب می‌شد. او در انتخابات نهم با فاصله اندکی از احمدی‌نژاد از ادامه رقابت و صعود به مرحله دوم انتخابات نهم باز مانده بود و از همین رو، در این دوره با امید بیش‌تری وارد عرصه رقابت شد و هرگز حاضر به کناره‌گیری به نفع موسوی نشد.

۳. حزب کارگزاران سازندگی، سومین طیف جریان دوم خرداد در انتخابات دهم به شمار می‌آید. این حزب که در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی پایه‌ریزی شده بود، هرگز از پایگاه اجتماعی قابل توجهی برخوردار نشد. کارگزاران سازندگی در این انتخابات نیز ابتدا از مزه مزه ورود با نامزد حزبی خود را سرداد ولی در نهایت ریسک ورود

هاشمی در حوادث قبل و بعد از انتخابات، بیش‌ترین بهره‌ها را ببرند.

۲. بهره‌مندی از توان مناسب مالی برای تبلیغات.

۳. تنوع قومی، مذهبی و مطالبه‌های صنفی و قشری.

۴. بروز اختلاف در میان برخی عناصر اصول‌گرا.

در مجموع، راهبرد کلی جریان دوم خرداد عبور از احمدی‌نژاد بود که به عنوان اولویت نخست در دستور کار قرار گرفت.

ب) جریان اصول‌گرایی

جریان اصول‌گرایی از ابتدای پیروزی انقلاب با اعلام پای‌بندی به آرمان‌ها و اهداف اصیل انقلاب اسلامی و تلاش برای حاکمیت عدالت اجتماعی، برای مقابله با عناصر و جریان‌های انحرافی روی کار آمد و در دوره‌های بعد با افت و خیزهایی همراه بوده اما همواره بازگشت به مسیر اصلی انقلاب و احیای آرمان‌های اسلامی را شعار اصلی خود قرار داده است. نقطه اوج این جریان در سال‌های اخیر را می‌توان در قالب ائتلاف آبادگران ایران اسلامی مشاهده کرد که در انتخابات ۱۹ اسفند ۱۳۸۱ اولین شگفتی را آفرید و موفق شد ۶۴ درصد کرسی‌های شورای شهر و روستاها را به دست آورد. پیروزی در انتخابات مجلس هفتم موفقیت دیگری از این جریان بود که در اسفند ۸۲ با کسب ۲۱۰ کرسی رقم خورد. پس از آن در انتخابات نهم ریاست جمهوری سال ۸۴ سومین پیروزی را به دست آورد و از آن پس به عنوان گفتمان حاکم بر فضای سیاسی کشور شناخته شد.

در این جریان چند طیف قرار داشتند:

۱. مجموعه «پسروان خط امام و رهبری» که اغلب اعضای آن را تشکل‌های سنتی و باسابقه طیف موسوم به راست تشکیل می‌دهند. این طیف در انتخابات نهم از ابتدا گزینه‌ای غیر از احمدی‌نژاد را مد نظر قرار داد اما در مرحله دوم و همچنین انتخابات دهم از او حمایت کرد.

۲. جمعیت ایتارگران و گروه‌های نزدیک به این جمعیت به عنوان دومین طیف جریان اصول‌گرایی است که در تحولات سیاسی پس از دوم خرداد شکل گرفت. این طیف گرچه نقدهایی را متوجه دکتر احمدی‌نژاد می‌داند اما در انتخابات دهم وی را نامزد خود معرفی کرد.

۳. «رایحه خوش خدمت»، سومین طیف از این جریان شناخته می‌شود که شامل

حزب کارگزاران سازندگی؛ سومین طیف جریان دوم خرداد در انتخابات دهم به‌شمار می‌آید. این حزب که در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی پایه‌ریزی شده بود، هرگز از پایگاه اجتماعی قابل توجهی برخوردار نشد.

نزدیکان دکتر احمدی‌نژاد است و در انتخابات نهم و دهم، به صورت جدی از او حمایت کرد.

۴. طیف چهارم جریان اصول‌گرایی شامل شخصیت‌ها و گروه‌هایی است که خود را خارج از سه طیف پیشین می‌دانند و از منتقدان جدی دولت نهم و دهم به‌شمار می‌آیند. برخی اعضای این طیف در انتخابات دهم ابتدا طرح عبور از احمدی‌نژاد را مطرح کردند و حتی بعضی از ایشان به ستاد میرحسین موسوی پیوستند ولی در ادامه از او فاصله گرفته، به همراه برخی دیگر به طرح «دولت ائتلافی» محسن رضایی گرایش یافتند.

ج) جریان سوم

جریان سوم از درون جریان اصول‌گرایی پدیدار شد. بسیاری از منتقدان دولت نهم که احمدی‌نژاد را برای ریاست جمهوری دهم نمی‌پسندیدند و از طرفی با روی کار آمدن درباره جریان دوم خرداد هم موافق نبودند، جذب شعار دولت ائتلافی محسن رضایی شدند اما هرگز نتوانستند جایگاه قابل توجهی در افکار عمومی به دست آورند. این جریان که خود را وفادار به آرمان‌های اصول‌گرایان معرفی می‌کرد، از نگاه تحلیل‌گران سیاسی تنها برای ایجاد اختلاف در بین اصول‌گرایان و کاستن از آرای دکتر احمدی‌نژاد وارد عرصه رقابت شد. آنچه بعدها این تلقی را قوت بخشید، همراه شدن محسن رضایی با دو نامزد دیگر در ایجاد تردید نسبت به سلامت و نتیجه انتخابات دهم بود، هر چند وی توانست تا حدودی خود را از غائله به وجود آمده توسط دوم خردادی‌ها حفظ کند.

